سرمقاله

غرب به دنبال نمد مال کردن ایران است

ادامه از صفحه۱

... که متجر به عدم اتخاذ موضعی معقول ازسوی ایران خواهد شد. اما همچنان ایران باید به دیپلماسی وفادار بماند. هر چند این وضعیت می‌تواند برای ایران هزینه‌زا باشد. اما واقعیت این است که در شرایط کنونی کشور که تا حدودی تحمیلی یا بر اثر بلاتصمیمی یابدتصمیمی ایجادشده‌راهی جزپیگیری دیپلماسی پیش رونداردو چه به دلیل فشارهای بیرونی و چه در نتیجه برخی سوءتدبیرها در گذشته، امروز فضای ماثور ایران محدودتر از گذشته شده است.

فرصت‌های اهرم‌سازی بهویژه در عرصه دیپلماسی و آنچه به ایران مربوط می‌شود. کاهش یافته و ما برخلاف انتظار نتوانسته‌ایم یک بلوک قدرتمند مطلقه‌ای با بین‌المللی برای حمایت از خود شکل دهیم، زیرا در عمل ایران بار سنگین این تقلل را به تنهایی بر دوش می‌کشد؛ در حالی که ظرفیت مادی و معنوی کشور برای چنین فشاری آماده و کافی نیست. مگر آنکه بیشتر به تحولات بیرونی و مطلقه‌ای و بین‌المللی چشم بدوزیم که آن هم به تنهایی کفایت نمی‌کند! در همین چارچوب، تفاهم اخیر ایران و آژانس نیز واجد اهمیت خاصی است.

این تفاهم به گونه‌ای طراحی شـــد که اگـــر اروپایی‌ها حاضر به همکاری و همراهی با روند جدید همکاری ایران و آژانس نباشند. اساسا امکان استمرار این همکاری میان تهران و آژانس زیر سوال خواهدرفت. طبیعی است که توقف چنین روندی تبعات سیاسی و حقوقی مهمی برای ایران به همراه خواهد داشت و پرسش اساسی این است که آیا کشور برای رویارویی با این تبعات آماده شده است یا خیر؟! بحث من این است که ایران اگر در شرایط کنونی کارت‌های بازدارنده کافی برای اعمال فشار متقابل در اختیار داشت شرایط قطعا متفاوت بودا درنتیجه، الان که آن بازدارندگی خاورمیانه‌ای آســـیب دیده بیش از هر چیز بـــه یک دوران گـــذار و صبوری دیپلماتیک نیازمندیم؛ دوره‌ای که در آن با صبر، پایداری و وفاداری دیپلماتیک، طراحی و ابتکار عمل و ایده‌های نو و پیشـــنهادهای جدید بتوانیم مرحله حساس فعلی را پشت سر بگذاریم و در آینده با شرایطی بهتر و ابزارهایی قوی‌تر اهداف ملی خود را دنبال کنیم.

هر چند که همچنان بیانیه یا تفاهمی که اخیرا میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شکل گرفته، هنوز به طور رسمی منتشر نشده و جزییات مکتوب آن دراختیار رسانه‌ها قرار نگرفته است. از همین رو، نمی‌توان با قطعیت درباره مفاد دقیق آن سخن گفت. با این حال، روشن است که هرگونه اختلاف بر سر این متن نه سود ایران نخواهد بود. در شرایط کنونی، علی‌رغم آنکه آژانس همواره به سیاسی‌کاری و سوءاستفاده از موقعیت خود متهم می‌شود، تهران راهی جز همکاری با این نهاد ندارد. تمرکز اصلی آژانس اکنون بر سر موضوع حساس ۴۰۰ کیلوگرم مواد غنی‌شده ۶۰درصدی ایران است؛ سایر مواردی که مطرح می‌شود بیشتر جنبه پوششی دارند. بنابراین، حتی اگر نقدهایی به عملکرد آژانس وارد باشد، ایستادن در موضع تقابل آشکار با این نهاد می‌تواند تبعات سنگینی برای کشور به همراه داشته باشد. تجربه گذشته نیز نشان داده که آژانس به عنوان یک مرجع بین‌المللی به راحتی قادر است پرونده ایران را ذیل فصل هفتم منشور ملل مطرح کند؛ اتفاقی که پیامدهای آن برای تهران کاملا روشن است. از این منظر، متعاقبی نیست خطوط قرمز خود را از قدر گسترده کنیم که همکاری با آژانس به نقطه تقابل برسد. بلکه باید کوشید این نهاد در فضای سیاسی فاصله بگیرد و تعاملات خود با ایران را در چارچوب فنی و تکنیکی دنبال کند. در عرصه داخلی، هر چند مباحثی چون مسوولیت‌های دستگاه‌های نظارتی یا رقابت‌های جناحی وجود دارد، اما این مسائل در شرایط فعلی تعیین‌کننده‌نیستند.

آنچه اهمیت دارد، مدیریت تعامل همزمان با سه بازیگر اصلی است: آژانس، اروپا و امریکا. اکنون که تفاهمی با آژانس به دســـت آمده باید تلاش شـــود این توافق زمینه اجرایی پیدا کند. روشن شدن و شفاف شدن این مســـیر، بی‌تردید بر روابط ایران با اروپا نیز اثر مثبت خواهد گذاشت. اما خود اروپا در اختلاف با ما نیز بی‌انگیزه نیســـت؛ باید نقاط مشکل را از کانال‌شـــکافی و رفع و رجوع کرد. قضیه اوکراین ازجمله این مسائل است. درخصوص ایالات‌متحده نیز، مسیر و الزامات خاص خود را دارد. اینجا مساله اسرائیل مهم است و اینکه دلیلی ندارد به تنهایی مقابل اسرائیل قرار بگیریم؛ در شـــرایط کنونی، زمان به عامل تعیین‌کننده بدل شده است. اروپا تمایلی ندارد فرصت استفاده از مکانیسم ماشه را از دست بدهد. اساسا خسته اروپا در برجام نیز بیش از هر چیز برای حفظ همین ابزار بوده تا بتواند با امتیازی در دست در مقابل امریکا در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی نقش‌آفرین باقی بماند. در واقع، اروپا از این اهرم برای معامله و بدبستان با امریکا بهره می‌گیرد و در این مسیر، هزینه آن را از جیب ایران می‌پردازد. با وجود این، گردانده اصلی این تعزیه‌گردان سیاسی همچنان ایالات‌متحده است. واقعیت آن اســـت که ایران در حال حاضر فاقد اهرم‌های بازدارنده مؤثر برای معامله با امریکا است. سرمایه‌گذاری‌های منطقه‌ای کشور تا حد زیادی آسیب‌دیده و ابزار فشار ما در عرصه سیاست خارجی تاحدی تضعیف شده است.

بنابراین، بحث تعامل یا مذاکره با امریـــکا از منظر انتخابهای منتوع مطرح نیســـت، بلکه از این جهت اهمیت دارد که واشنگتن صحت‌کردن اصلی است و ما اگر نیز باید برای مدیریت این وضعیت، فرمولی واقع‌بینانه طراحی کنیم می‌دانیم که امریکا با خیال آسوده و از موضع بی‌نیاز، با ایران برخورد می‌کند. این کشـــور یا واگذاری بخشی از فشارها به اروپا، عملا هزینه‌ای متحمل نمی‌شود و تلاش دارد ایران را در موقعیتی قرار دهد که خود داوطلبانه به ســـمت واشـــنگتن برود. خطر اصلی اینجاست که بی‌تصمیمی یا تاخیر در تصمیم‌گیری می‌توانـــد ایران را در موقعیتی قرار دهد که هم زیان‌های فشـــار غرب را متحمل شود و هم از امتیازات احتمالی مذاکرات بی‌بهره بماند. به علاوه، ضعف در بازدارندگی خارجی و داخلی، شرایط را پیچیده‌تر کرده است. در داخل به دلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و شکاف‌های سیاسی، انسجام ملی آســـیب‌دیده است. در خارج هم به دلیل تحولات خاورمیانه‌ای این وضعیت ایران را در موقعیتی شکننده قرار داده و ضرورت طراحی یک سیاست تازه برای خروج از چرخه باطل فعلی را دوچندان کرده است. هرچند تحولات منطقه‌ای از جمله حمله اســـرائیل به قطر و جنگ غزه می‌تواند فضای بین‌المللی را تا حدی به سود ایران متأثر سازد، اما این متغیرها صرفا اهرم‌های کمکی هستند و نمی‌توان بار اصلی سیاست خارجی را بر آنها سوار کرد.

جایگاه ژئوپلیتیک ایران به اندازه‌ای مهم است که کشور باید بر پایه ظرفیت‌ها و اهرم‌های داخلی خود، سیاست خارجی‌اش را بازطراحی کند. به بیان دیگر، تحولات منطقه و بحران‌های جهانی شـــاید فرصت‌های مقطعی فراهم کنند. اما کلید اصلی در گرو بازسازی اهرم‌های پایدار و داخلی اســـت. امری که متاســـفانه باید سال‌ها پیش آغاز می‌شد و امروز بیش از هر زمان دیگری ضرورت یافته است و باید شرایط را به نحو مطلوبی مدیریت کنیم. فرصت‌های نشســـت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای فرصت مغتنمی برای لابی‌گری و یا گریزی و فرصتســـازی است برای قابل کردن مذاکره ایران و امریکا ما نیاز به یک اراده ملی برای حل مشـــکلات خود با غرب داریم. اراده‌ای ناشی از انسجام داخلی حداکثری ان‌شاءالله!

نصرت‌الله تاجیک
دیپلمات بازنشسته و استاد دانشگاه
alborz.payam@gmail.com

پیام آشنا از نشست سالانه کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش می دهد

سکوت در برابر تجاوز، لکه ننگی در تاریخ آژانس

اختصاصی پیام آشنا - در شرایطی که تحولات منطقه و فشارهای بین‌المللی بر پرونده هسته‌ای ایران افزایش یافته است، شصتونهمین کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین به کانون توجه دیپلماتیک و حقوقی تبدیل شـــده اســـت. ایران با ارائه پیش‌نویس قطعنامه‌ای برای محکومیت حملات اخیر به تأسیسات هسته‌ای خود، تلاش دارد ضمن دفاع از حقوق هســـته‌ای و امنیت ملی، اعتبار آژانس و نظام پادمانی را نیز حفظ کند.

مقاومت استراتژیک ایران

محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، در سخنرانی خود با تأکید بر حق ذاتی ایران برای فعالیت‌های صلح‌آمیز هســـته‌ای و پایبندی به اصول حقوق بین‌الملل، حملات اخیر رژیم اســـرائیل و آمریکا به تأســـیسات هســـته‌ای را نقض آشکار منشور سازمان ملل و اساسنامه آژانس خواند. او سکوت آژانس در محکومیت این تجاوزات را مورد انتقاد قرار داد و خواستار اقدام فوری برای جلوگیری از علادی‌سازی حملات غیرقانونی شد.

اسلامی همچنین به بدعهدی طرف‌های غربی در برجام و تلاش غیرقانونی سه کشور اروپایی برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه اشاره کرد و تأکید نمود که ایران تحت هیچ شرایطی حقوق هســـته‌ای خود را فدای فشار سیاسی یا تحریم‌ها نخواهد کرد. او خواستار پایبندی دقیق به زمان‌بندی قطعنامه ۲۲۳۱ تا ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ شد و اعلام کرد هرگونه تلاش برای بازگرداندن مفاد قطعنامه‌های لغوشده، فاقد اثر قانونی است.

پیام روشـــن اسلامی این اســـت که ایران آماده همکاری و تعامل فنـــی و دیپلماتیک با آژانس اســـت، اما در برابر فشـــارهای سیاسی و نظامی تســـلیم نمی‌شود این ترکیب از مقاومت استراتژیک و دیپلماســـی فعال، هشـــداری واضح به جامعه بین‌الملل اســـت: احترام به حقـــوق بین‌الملل و امنیت ملی ایران ضروری اســـت و هرگونه تلاش برای علادی‌سازی بی‌قانونی با واکنش جدی مواجه خواهد شد.

دیپلماسی فعال ایران در وین

بهروز کمالوندی، سخنگوی سازمان انرژی اتمی، تأکید کرد کـــه ایران بـــرای تصویب قطعنامه پیشنهادی خود با کشـــورهای مختلف رایزنی خواهد کـــرد و تـــلاش دارد حمایـــت جامعه بین‌الملل را جلب کند. او هشدار داد که آمریکا با تهدید به کاهش کمک‌هـــای مالی به آژانس سعی در ملتح‌ترلشی دارد، اما ایران این موضوع را یک چالش مشترک بین‌المللی و نه صرفاً مسأله داخلی می‌داند.

توافـــق فنی بـــا آژانـــس؛ نقطه عطف اعتمادسازی

توافـــق قاهره میان ایـــران و آژانس فراتر از یک سند فنی صرف است و نقطه عطفی در تعامل تهران و جامعه بین‌الملل محســـوب می‌شود. رافائل گروسی، مدیرکل آژانس، تأکید کرد که بازگشت فعالیت‌های راستی‌آزمایی و همکاری فنی مؤثر، نه تنها ابهامات برنامه هســـته‌ای ایـــران را رفع می‌کند، بلکه اعتماد و ثبات منطقه‌ای و جهانی را نیز تقویت خواهد کرد.

به بیان تحلیلی، این توافق نشان می‌دهد که ایران مایل به همکاری فنی شفاف است، اما همزمان بر حفظ اســـتقلال و حقوق خـــود تأکید دارد. اجرای موفق این توافق، آزمونی برای کارآمدی نظام پادمانی آژانس خواهد بود؛ توانایی آژانس در اعمال کنترل کامل، شاخص کلیدی کاهش تردیدهای بین‌المللی و تضمین امنیت جهانی است.

پیامدها و اهمیت کنفرانس

ترکیب مقاومت استراتژیک ایران و دیپلماسی فعال با آژانس، نمایانگـــر رویکرد دوگانه تهران اســـت: حفظ حقوق هســـته‌ای در برابر فشـــار سیاسی و نظامی، همراه با همکاری فنی و شفاف با نهادهای بین‌المللی. این رویکرد، علاوه بر تأمین امنیت ملی ایران، اعتبار آژانس و نظام پادمانی را نیز به آزمون می‌گذارد و اهمیت تعامل چندجانبه و رعایت اصول بین‌المللی را برجسته می‌کند.

نتایج شصت‌ونهمین کنفرانس عمومی آژانس، که از ۱۵ تا ۱۹ ســـپتامبر ۲۰۲۵ در وین برگزار می‌شود، می‌تواند مســـیر همکاری‌های هســـته‌ای ایران و نحوه مواجهه جامعه بین‌الملل با حملات اخیر به تأسیسات هســـته‌ای ایران را تعیین کند.

گاردین: اسرائیل تهدید امنیتی اول منطقه است نه ایران

به گزارش پیام آشنا، حمله رژیم اسرائیل به قطر به اســـم تلاش هدفمند برای از بین بردن ســـران حماس همزمان که با واکنش‌های فوری و صدور قطعنامه و بیانیه‌های شدیداللحن بین‌المللی روبه‌رو شده اســـت اما در نگاهی تحلیلی، خبر از به صدا درآمدن زنگ خطر در منطقه غرب آسیا نسبت به برنامه‌ها و اهداف توسعه طلبانه رژیم اسرائیل دارد.

در چند روز گذشـــته از حمله‌ای کـــه به گزارش رسانه‌ها، نخست وزیر رژیم اسرائیل آن را پنجره‌ای کوتاه برای پیشبرد عملیات علیه حماس خوانده، رسانه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بسیاری درباره معنای این حمله برای معادله های جاری در منطقه و البته اتحاد کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس با ایالات متحده نوشته‌اند.

گاردین در تازه‌ترین این نوشـــتارها در این باره به تبدیل شدن اسرائیل به تهدید امنیتی اول منطقه اشـــاره کرده و می‌نویســـد: تور مذاکره‌کنندگان حماس در دوحه توســـط اسرائیل، خط قرمزی را رد کرد که حتی نزدیک‌ترین شرکای عرب آن هم نمی‌توانند نادیده بگیرند. اسرائیل مدت‌ها حملات پیش‌دستانه و فرامرزی خود را برای تامین امنیتش توجیه کرده است. طی دو سال گذشته، در واکنش به حملات ۷ اکتبر حماس، به شش کشور منطقه حمله کرده تا هرگونه تهدید علیه امنیت خود را از میان بردارد. اما هدف قرار دادن پایتخت قطر، یک پادشاهی ثروتمند در حاشیه خلیج‌فارس، شریک امنیتی و متحد غیرناتوی آمریکا و محل مذاکرات حساس بین اسرائیل و حماس به ابتکار واشنگتن، صرفاً یک ترور هدفمند دیگر نیست. این اتفاق نشانه تغییری بنیادی است: جایی که کشورهای عربی دیگر ایران را عامل اصلی بی‌ثباتی منطقه نمی‌دانند و نام اسرائیل را در این خصوص به زبان می‌آورند.

این نخشـــین بار نیســـت که اســـرائیل همزمان با جریان داشـــتن مذاکرات و تلاش‌های دیپلماتیک دســـت به حمله می‌زند. در طول این دو ســـال، ترورهای برجسته و حملات متعددی در لبنان علیه حزب‌الله، در ســـوریه علیه دولت تازه‌تشکیل‌شده «احمد الشرع»، در یمن علیه حوثی‌ها و علیه ایران طی جنگ ۱۲ روزه ژوئن زمانی که تهران مشغول مذاکره با واشنگتن بود، صورت گرفت.

این حملات اغلب به گونه‌ای زمان‌بندی شـــدند تا مذاکرات را به شکست بکشانند یا نشان دهند که اســـرائیل حاضر نیست دیپلماسی را از اجبار و زور جـــدا کند. حمله به دوحه هم در همین الگو قابل تعریف است، اما هم‌زمان پیامدهای بلندمدتی خواهد داشت.

موشـــک‌ها در محله‌ای آرام در دوحه فرود آمدند، درســـت در نزدیکی قصری که اخیراً دونالد ترامپ در جریان سفر ماه مه خود به منطقه از آن بازدید کرده بود؛ ســـفری که شـــامل دیدار از یک پایگاه نظامی آمریکا در قطر نیز می‌شـــد. برای حاکمان خلیج فارس، این حمله فـــرض دیرینه آن‌ها را به چالش کشید: این تصور که روابط با آمریکا و وجود پایگاه‌های نظامی‌اش آن‌ها را از حملات مصون نگه می‌دارد.

اســـرائیل مدت‌هاســـت نسبت به قطر کینه دارد. بر اساس توافقی که با تایید آمریکا و اسرائیل انجام شد، دوحه سال‌ها پول نقد به غزه می‌فرستاد تا منطقه را باثبات کند. اما پس از ۷ اکتبر، مقام‌های اسرائیلی این کمک‌هـــا را بازتعریف کردند و آن را به معنای تقویت حماس و حملات علیه اســـرائیل دانستند. با انتشار اسنادی که نشان می‌داد نزدیکان نتانیاهو ظاهرا از قطر پول دریافت کرده‌اند تا به نفع آن لابی کند، خشم اسرائیل از دوحه آشکارتر شد.

با این حال، این نگاه مورد تایید واشنگتن نیست. قطر میزبان پایگاه هوایی العُدید اســـت که یکی از ارکان اصلی قدرت‌نمایی آمریکا در منطقه محســـوب می‌شود. از همین پایگاه بود که نیروهای آمریکایی عملیـــات خود در افغانســـتان، عراق و ســـوریه را مدیریت کردند. جو بایدن در ســـال ۲۰۲۲ حتی قطر را «متحد بزرگ غیرناتویی» آمریکا نامید. دوحه همچنین در جنگ ایران و اسرائیل در ژوئن، هدف حملات موشکی ایران قرار گرفت؛ آن هم در واکنش به حملات علیه تاسیسات هســـته‌ای ایران.

آنچه چند روز پیش رخ داد دومین حمله ظرف چند ماه بود و این بار توسط یکی از نزدیک‌ترین متحدان آمریکا که پرســـش‌هایی درباره کارآمدی حمایت واشنگتن ایجاد می‌کند. نویسنده این مطلب در ادامه ادعا می‌کند که دهه‌هاســـت که کشورهای خلیج فارس امنیت منطقـــه‌ای را از دریچه ایران تعریف کرده‌اند؛ با نگرانی از برنامه هسته‌ای آن، حمایت ایران از گروه‌های متعلق به «محور مقاومت» و توانایی این گروه‌ها در حمله فرامرزی همانند حملات پیهادی و موشکی به تـــلابیب آرامکو در ســـال ۲۰۱۹. اما امروز، کارزار بی‌مهار اسرائیل در غزه، عملیات فزاینده در کرانه باختری و تداوم حملات در لبنان، سوریه و قطر، گفت‌وگوها را دگرگون کرده است.

نویســـنده در ادامه با تکرار ایـــن ادعای بی‌پایه که «فرنقاق‌های ایران در منطقه در شعله‌ور کردن برخی درگیری‌ها موثر بوده» می‌نویسد که با این وجود، کشورهای عربی اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که اسرائیل بزرگ‌ترین تهدید برای ثبات منطقه است.

در حالی که اقدامات ایران بیش از حد آشنا و قابل پیش‌بینی شده و شاید قدرت‌نمایی آن هم بیش از اندازه برآورد شده باشد در مقابل، اقدامات اسرائیل جسورانه‌تر شده و هنجارهایی را زیر پا گذاشته که رهبران عرب تصـــور می‌کردند همچنان حاکم بر منطقه‌اند.

انفعال آمریکا این برداشـــت را تقویت کرده است. هم دولت بایدن و هم دولت ترامپ از مهار حملات نظامی اســـرائیل خودداری کرده‌اند. حمله به قطر حاکمان خلیج فارس را وادار می‌کند با این واقعیت روبه‌رو شوند که واشنگتن یا نمی‌خواهد یا نمی‌تواند نزدیک‌ترین متحد خود را مهار کند.

کشورهای خلیج فارس مدت‌هاست بیم آن دارند شـــود آن‌ها هنوز به‌خوبی به یاد دارند که چگونه سامانه‌های دفاعی آمریکا نتوانســـتند مانع حمله به عربستان در ۲۰۱۹ شوند، و امروز هم شاهد ناتوانی واشنگتن در مهار اسرائیل هستند.

نتیجه این وضعیت، فرسایش حس تضمین‌های امنیتی اســـت. توافق‌هـــای ابراهیـــم و طرح‌های عادی‌سازی روابط قرار بود امنیت منطقه را مدیریت کنند. اما امروز، تا زمانی که وضعیت غزه ادامه دارد، چنین طرح‌هایی دیگر عملی نیست.

در واکنـــش، رهبـــران خلیـــج فـــارس احتمالاً همکاری‌های خود را با یکدیگر عمیق‌تر می‌کنند، تلاش برای تنوع‌بخشی به شراکت‌های خارجی و امنیتی خود را سرعت می‌بخشند، روابط اقتصادی قوی‌تا چین را حفظ می‌کنند، همکاری‌های دفاعی با ترکیه را گســـترش می‌دهند و چشم‌انداز نامطمئن عادی‌سازی با اسرائیل را دوباره ارزیابی می‌کنند.

برای کشـــورهایی که مدت‌ها کوشیده‌اند روابط با اسرائیل و آمریکا را در برابر افکار عمومی داخلی و حساسیت‌های منطقه‌ای متوازن کنند، این حمله کار را به‌مراتب دشوارتر کرده است.

در همین حال، حاکمان خلیـــج فارس با جدیت بیشـــتری به دنبال دســـتیابی به خودمختاری راهبردی هســـتند و عزم آن‌ها برای کاستن از ریســـک وابســـتگی به آمریکا افزایش یافته است. حمله به دوحه شاید در نهایت به نقطه عطفی تاریخی بدل شود؛ لحظه‌ای برای تثبیت این احســـاس که نظم سنتی منطقه‌ای در حال فروپاشی اســـت و حاکمیت شرکای عربی امریکا بیش از حد بارها به نام امنیت قربانی شده است.

امروز دیگر پرســـش این نیست که آیا کشورهای منطقه به این اقدام‌ها واکنش نشان خواهند داد یا خیر؟ بلکه سوال این است که این واکنش چگونه خواهد بود؟

«این نخستین بار نیســـت که اسرائیل همزمان با جریان داشـــتن مذاکرات و تلاش‌های دیپلماتیک دســـت به حمله می‌زند. در طول این دو ســـال، ترورهای مهـــم و حملات متعددی در لبنان علیه حزب‌الله، در ســـوریه علیه دولت تازه‌تشکیل‌شده «احمد الشرع»، در یمن علیه حوثی‌ها و علیه ایران طی جنگ ۱۲ روزه ژوئن زمانی که تهران مشغول مذاکره با واشنگتن بود، صورت گرفت.»

تداوم تحرکات رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان

ارتش رژیم صهیونیســـتی بار دیگر با نقض آتش بس، تحرکاتی در جنوب لبنان انجام داد.

به گزارش پیام آشـــنا به نقل از النشره، ارتش رژیم صهیونیستی در ادامه نقض‌های مکرر لبنان، دیروز به سمت اطراف شهرک کفرشوبا در ارتفاعات این منطقه، تیراندازی کرد.

دیـــروز تیراندازی‌هایی به اطراف شـــهرک کفرشـــوبا از ســـمت پایگاه ارتـــش رژیم صهیونیستی در رویسات العلم، صورت گرفت. از جزئیات و خسارات یا تلفات احتمالی این حمله هنوز اخباری منتشر نشده است.

با وجود توافق آتش بس، نقض حریم هوایی و زمینی لبنان از سوی رژیم صهیونیستی به موضوعی روز مره تبدیل شـــده اســـت و این رژیـــم هنوز هم پنج موضع در جنوب لبنان را در اشغال خود دارد.

گفتنی اســـت رژیم صهیونیســـتی از زمان اجرایی شـــدن توافق آتش‌بس با لبنان در ۲۷ نوامبر ۲۰۲۴ تاکنون، بیش از ۳۰۰۰ بار این توافق را نقض کرده که منجر به شهید و زخمی شدن شماری شده است.

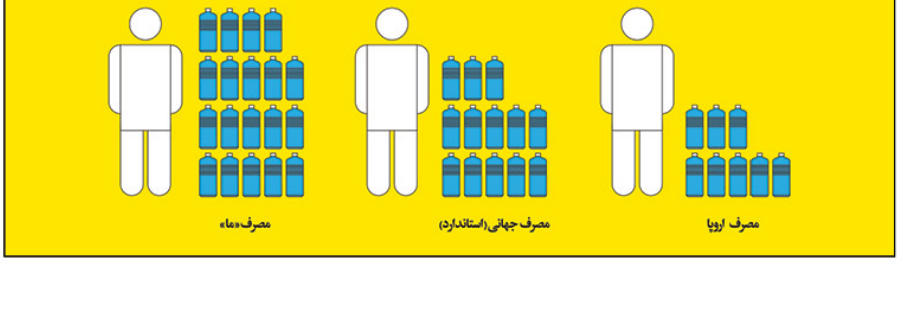

اخبار سراسری

عارف: برنامه دولت جبران عقب‌ماندگی در حوزه فناوری‌های نوین است

معاون اول رئیس‌جمهور با اشـــاره به این‌که «ستاد توسعه علوم و فناوری اقتا (هیئت ســـایبری) نقش بازی‌رسان به سایر نهادهای مربوط به فناوری‌هـــای نوین را بر عهـــده دارد»، گفت: تربیت و نگهداشت نیروی انسانی فعال در این حوزه ضرورت دارد.

به گزارش پیام آشنا، محمدرضا عارف در جلسه بررسی نقشه راه ستاد توسعه علوم و فناوری اقتا با اشاره به اهمیت دستیابی به اهداف برنامه ستد چشم‌انداز بیست ساله در زمینه فناوری‌های نوین اظهار کرد: برنامه دولت این است که در یکسال آینده عقب‌ماندگی سال‌های گذشته در زمینه علم و فناوری جبران شده و در طول سه ســـال بعد به افق‌های ستد چشم انداز توسعه در این زمینه دست یابیم.

وی ادامه داد: برای دستیابی به این هدف نباید ما درگیر ستدنویسی شویم چون همواره این آسیب وجود داشته که انشانویسی خوبی داریم ولی خوب عمل نمی‌کنیم. برای دســـتیابی به اهداف ستد چشم‌انداز بیست ساله، تربیت و نگهداشت نیروی انسانی در زمینه فناوری‌های نوین اهمیت داشـــته و این مسأله باید در اولویت قرار گیرد. وی با تاکید بر این‌که «ستاد توسعه علوم و فناوری اقتا تلاش می‌کند تا به نهادهایی که در زمینه فناوری نوین فعالیت می‌کنند کمـــک کرده و خلاءهای موجود را رفع کنـــد»، گفت: ذیل این هســـتیم که در چند ماه آینده خروجی قابل ارزیابی داشته باشیم بنابراین لازم اســـت نقشه راه فعالیت ستاد توسعه علوم و فناوری اقتا پس از اعمال اصلاحات در دبیرخانه این ستاد تصویب شود تا اقدامات اجرایی سریعتر آغاز گردد.

در این جلسه نقشـــه راه فعالیت ستاد توسعه علوم و فناوری اقتا (هیئت ســـایبری) از سوی اعضا بررسی و پیشنهادهایی در مورد اصلاح آن ارائه شد.

راه برای دانش بنیان کردن سیستم حکمرانی کشور بسته نیست

معاون راهبردی و امور مجلس رئیس جمهور گفت: راه برای دانش بنیان کردن سیســـتم حکمرانی کشور خیلی بسته نیست و به کمک فرهنگســـتان علوم می‌توانیم بخشی از مشکلات کشور را حل کنیم.

به گزارش پیام آشنا، محسن اسماعیلی معاون راهبردی و امور مجلس رئیس جمهور در آئین امضا تفاهم‌نامه همکاری معاونت راهبردی رئیس جمهور و فرهنگســـتان علوم که در فرهنگســـتان علوم حاضر در جلســـه گفت: اساتید حاضر در جلسه اگر رغبی را برای حل مشکلات پیش بیتی و معرفی کنند، ما در معاونت راهبردی شتونده هستیم در عین حال غیر از کار جمعی که می‌کنیم ممکن است یک نفر در خصوص یک موضوع یک سخنی داشته باشد که گرمی را باز کند که از آن استقبال می‌کنیم. وی با ذکر خاطره‌ای از چگونگی حضور خود در دولـــت افزود: آقای رئیس جمهور در تلویزیون و در جلســـه معارفه بنده گفتند که از اول دولت به بنده فشار می‌آورند و من را به دولت معرفی می‌کردند که من به دولت بیایم، این اواخر هفته‌ای ۷ روز، یک ساعت و نیم تا دو ساعت با بنده صحبت می‌کردند که آخرش باز بنده نپذیرفتم و موقع خروج، ایشان گفتند که حالا که نپذیرفتید من یک جمله بگویم و آن اینکه آیا با حضور شما در دولت یک گره از این همه گره‌هایی ممکن است باز شود یا خیر و بنده گفتم ممکن است گره‌ای باز شود و آن را انکار نمی‌کنم، سپس رئیس جمهور در پاسخ گفتند، همین قدر امیدوارم در قیامت جواب ندهید لذا بیایید همان گره را باز کنید.

اسماعیلی اظهار کرد: می‌خواهم به دوستان عزیزم این عرض را داشته باشم که ممکن است با یک جمله شما یک گره‌ای باز شود، هر چند متنها گره‌هایی که شما اسائید باز می‌کنید گره‌های کور، مانده و کهنه شده است، اما می‌خواهیم از شما خواهش کنیم هم از محصولاتی که اینجا وجود دارد ما در معاونت راهبردی، به صورت انفرادی و هم جمعی استفاده کنیم. معاونت راهبردی رئیس جمهور تصریح کرد: هم‌سی توانیم موضوعات مشترکی تعریف کنیم و نیز هم اندیشی و سمینار داشته باشیم و به صورت مشترک محصولاتی را تولید کنیم. وی در ادامه ضمن دعوت از اعضای فرهنگســـتان علوم برای تعامل بیشتر با معاونت راهبردی رئیس جمهور، خاطرنشان کرد: ان‌شاءالله شما هم به معاونت تشریف بیاورید و ظرفیت‌های آنجا را ملاحظه کنید و مجموعا فکر می‌کنم که با توجه به حسن‌نیّتی کـــه وجود دارد، من خود را ملزم می‌دانم به کثرت حضور در علما و فکر می‌کنم راه برای دانش بنیان کردن سیســـتم حکمرانی کشور خیلی بسته نیاشد و به کمک شما بتوانیم بخشی از مشکلات کشور را حل کنیم.

اسماعیلی بیان کرد: یک تفاهم‌نامه مقدماتی که دوستان زحمت کشیدند و آماده کردند که این برای آغاز کار است و برای بقای آن هر طور که صلاح بدانید بنده در خدمت شما هستیم و ان‌شاءالله یک کارگروه مشترک داده و یا جلسات منظم و مرتبی را تشکیل دهیم و بتوانیم آن ایدای را که در ذهنمان است ان‌شاءالله عملیاتی کنیم.

واکنش چین به حضور نظامی آمریکا در نزدیکی ونزوئلا

سخنگوی وزارت خارجه چین با انتقاد از استقرار نیروهای آمریکایی در نزدیکی آب‌های ونزوئلا، تاکید کرد که پکن با هرگونه مداخله خارجی در امور داخلی کاراکاس تحت هر عنوانی، مخالف است.

به گزارش پیام آشـــنا به نقل از آناتولی، لین جیان، سخنگوی وزارت خارجه چین امروز در استقرار نیروهای آمریکایی در کارائیب و نزدیکی آب‌های ونزوئلا را مورد انتقاد قرار داد. جیان تاکید کرد که حضور نظامی آمریکا در کارائیب «صلح منطقه‌ای را به شدت تضعیف می‌کند» و درباره هرگونه مداخله در امور داخلی این کشور آمریکای لاتین هشدار داد وی تاکید کرد: اقدام آمریکا صلح و امنیت منطقه‌ای را به شدت تضعیف کرده و نقض جدی امنیت، حاکمیت و حقوق و منافع مشروع سایر کشورها و همچنین نقض جدی قوانین بین‌المللی است. واشنگتن اواخر آگوست ناوشکن‌های نیروی دریایی آمریکا (یواس‌اس گریولی، یواس‌اس جیســـون دانهم و یواس‌اس سمپســـون) را به نزدیکی ساحل ونزوئلا اعزام کرد.

نیکلاس مادورو، رئیس جمهور ونزوئلا در واکنش اعلام کرد که ۴.۵ میلیون نفر را در قالب نیروهای شـــبه‌نظامی در سراسر این کشور بسیج کرده و آماده مقابله با هر نوع حمله‌ای است.

ولادیمیر پادرینو لوپز، وزیر دفاع ونزوئلا دیروز گفت که آمریکا در کارائیب و نواحی نزدیک به ونزوئلا، مأموریت‌های تجســـی هوایی انجام داده است. پیت هگســـت، وزیر دفاع آمریکا گفته است که ارتش این کشور آماده عملیات «تغییر رژیم» در ونزوئلاست.

وی تصریح کرد: ما با اســـتفاده یکجانبه از زور و هر گونه مداخله نیروهای خارجی در امـــور داخلی ونزوئلا تحت هر عنوان و با هر بهانه‌ای، مخالف هســـتیم. چین از آمریکا می‌خواهد تا مطابق قوانین بین‌المللی امنیت و آزادی کشـــتیرانی و متاقع طرف ونزوئلایی را مختل نکند و صلح و امنیت را تثبیت کند.